

به نام خدا

**جهانی شدن سیاست  
جنایی و ساز و کارهای  
حاکم بر آن**

**مولفان :**

**دکتر ولی اله نوری**

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

**دکتر امین امیریان فارسانی**

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، مدرس

دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

**فاطمه حیدری فارسانی**

پژوهشگر جزا و جرم شناسی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۹

بخش اول : مفهوم شناسی و

ابعاد جهانی شدن

فصل اول) مفهوم، اقسام و ارکان

سیاست جنایی

فصل دوم) جهانی شدن، ابعاد و

مخالفان آن

بخش دوم : کنشگران بین  
المللی و ابعاد جهانی شدن  
سیاست جنایی

فصل اول) کنشگران بین المللی  
و جهانی شدن سیاست جنایی  
تقنینی و قضائی

فصل دوم) جهانی شدن سیاست  
جنایی اجرایی

## مقدمه

به موازات فرایند جهانی شدن ابعاد زندگی بشر، سیاست جنایی نیز تحت تأثیر الزامات و پیامدهای آن قرار گرفته است. در توضیح مختصر راجع به جهانی شدن بایستی عنوان نمود که این پدیده در دهه ۱۹۹۰ به یکی از بحث انگیزترین مسائل پایان قرن

بیستم تبدیل شد و در سالهای  
نخستین قرن بیست و یکم هم یکی  
از مهمترین مباحث علوم اجتماعی  
بشمار می رود . هر چند که «جهانی  
شدن از یک سو با مفاهیم  
اقتصادی [جهانی شدن اقتصاد،  
مادیات، خرید و فروش و شرکت های  
چند ملیتی ] و از سوی دیگر با  
مضامین حقوق بشری [جهانی شدن

معنوی] سر و کار دارد»<sup>۱</sup>، لیکن «در  
تعریف جهانی شدن بیش از هر چیز،  
مفهوم و جنبه اقتصادی آن غلبه دارد  
تا ابعاد سیاسی، علمی، فرهنگی و  
اجتماعی آن. دلیل آن ناشی از تکامل  
یافتگی بیشتر بعد اقتصادی جهانی

---

<sup>۱</sup> نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات جرم  
شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم  
شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۲-  
۱۳۸۱، ص ۱۸۱.

شدن بر سایر ابعاد و جنبه های آن و  
تقدم زمانی وقوع آن می باشد . به  
همین دلیل به مقوله جهانی شدن با  
نگاه اقتصادی نگریسته می شود<sup>۲</sup>. با  
این حال این دیدگاه، نباید باعث چشم  
پوشی از سایر ابعاد و جنبه های جهانی  
شدن و تأثیرات آن بر جوامع مختلف

---

<sup>۲</sup> . میر محمدی، داود، جهانی شدن؛ ابعاد و  
رودیکردها، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۱، ص  
۶۳.



و تابعان حقوق بین الملل گردد . این امر بدین معنی است که هر چند که بعد اقتصادی جهانی شدن بر سایر ابعاد و جنبه های آن غلبه دارد، مع الوصف فرایند جهانی شدن در دیگر ابعاد نیز باعث همگرایی و نزدیکی هر چه بیشتر دیدگاهها و خط مشی های جامع جهانی و تابعان حقوق بین الملل گردیده است.

از جمله این ابعاد می توان به «جهانی شدن سیاست جنایی» اشاره

کرد که در سالهای اخیر در جهت اخلاقی کردن جامعه بشری و رفتار دولت ها در زمینه پاسخگویی به پدیده مجرمانه حرکت کرده است . در حقیقت به موازات شتاب گرفتن فرایند جهانی شدن، نظام های سیاست جنایی نیز متأثر از آن، به سمت همگرایی در زمینه تدابیر و اقدام های پیشگیرانه و سرکوبگرانه در جهت جرم انگاری، پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم متمایل شده اند.

بی تردید در فرایند جهانی شدن سیاست جنایی همانند هر پدیده دیگر نیز دو دسته عوامل تأثیرگذارند که می توان آنها را در «عوامل داخلی» و «عوامل خارجی» جای داد. منظور از عوامل داخلی، شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، مذهبی و عقیدتی و ... حاکم بر یک دولت با قلمرو سرزمینی مشخص است که منجر به پذیرش، تعدیل و تلطیف یا عدم پذیرش یک پدیده یا عنصر جدید در عرصه ملی و داخلی

کشورها می گردد. منظور از عوامل خارجی نیز در برگیرنده تأثیر بازیگران بین المللی و فراملی در فرایند جهانی شدن سیاست جنایی است.

ذکر این تقسیم بندی از آن جهت اهمیت پیدا می کند که بدانیم از نظر برخی در سایر ابعاد جهانی شدن (یعنی جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن سیاست و ...)، عوامل خارجی تأثیر و نقش بسیار مهمتری در قیاس با عوامل داخلی

برعهده دارند و بر این اساس  
اعتقاد دارند که اصولاً بحث از «جهانی  
شدن» و شکل گیری یک دهکده  
جهانی، محصول تفکرات حاکم بر  
جوامع لیبرالیستی و سرمایه داری است  
که در تلاشند تا با ترویج سبک زندگی  
و الگوهای حاکم بر جوامع غربی و  
سرمایه داری و توسعه و گسترش آن  
در سطح سایر کشورها، به سمت  
یکسان سازی تما می ابعاد زندگی  
بشری و در نتیجه ایجاد نظم نوین  
جهانی مبتنی بر نظام تک-قطبی

حرکت کنندلذا. اصولاً طرفداران این نظریه که بیشتر دربرگیرنده کشورهای بلوک شرق و جهان سوم است، به جای اصطلاح «جهانی شدن»، عبارت «جهانی سازی» را به کار می برند و معتقدند که شکل گیری یک دهکده واحد جهانی و متعاقب آن ظهور مفاهیم و اصطلاحاتی از قبیل «جهان وطنی» یا «جهانشهری» و «شهروند جهانی»، بیشتر به یک «پروژه» شبیه است که از جانب دنیای غرب و در رأس آن آمریکا هدایت و عملیاتی می

شود و به هیچ عنوان یک «فرایند» نیست! طرفداران این نظریه حتی پا را فراتر گذاشته و ایجاد شرکتهای چند-ملیتی (از قبیل شرکت مک دونالد) که خاستگاه آنها اغلب غرب و آمریکاست و گسترش آن در سطح سایر کشورها را بر نمی تایند و همیشه با دید منفی به این مباحث می نگرند و بر این اساس غالباً در مقابل شکل گیری دهکده واحد جهانی، از خود مقاومت نشان می دهند . لیکن بنظر نگارنده، شکل گیری دهکده واحد جهانی را چه در

قالب «جهانی شدن» و چه تحت عنوان «جهانی سازی» قرار دهیم، تفاوت چندانی در نتیجه حاصله نخواهد داشت، چه آنکه اصولاً بعد از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و سقوط بزرگترین دولت بلوک شرق با دیدگاه‌های کمونیستی، دنیا به سمت تک-قطبی شدن و ایجاد نظام نوین جهانی در دوره پسا-شوروی و در واقع پسا- کمونیستی حرکت می کند و دلیل این ادعا نیز آن است که عملاً ایدئولوژی مقتدری که تاب مقاومت در



مقابل ایدئولوژی لیبرالیستی دنیای غرب را داشته باشد، وجود ندارد. از طرف دیگر هرچند دولتهای بلوک شرق بتوانند در مقابل «پروژه جهانی سازی» هدایت شده از جانب دنیای غرب، مقاومت کنند لیکن در داخل قلمرو و سرزمین خود با دو دستگی در بین آحاد جامعه و بالاخص در سطح توده ها مواجهند، چرا که قشر توده این جوامع معمولاً در مقابل الگوهای تزریقی جوامع غربی، حالت «انفعالی داشته» و عملاً سرسپرده و

تسلیم محصولات فرهنگی، اقتصادی و ... ارسالی از سوی جوامع غربی هستند. علاوه بر آن، نگارنده اعتقاد دارد که «توهم توطئه» یا «توهم دشمن‌پنداری» که همیشه بر سیاست خارجی کشورهای حوزه بلوک شرق و جهان سوم، سایه انداخته و حاکم شده، مانع از تفکر منطقی و برخورد معقول این قبیل کشورها در قبال پدیده‌های نوظهور و اقتضائات زندگی در جامعه بین‌المللی است و به همین دلیل اصولاً در قبال مباحث نوظهور در

عرصه بین المللی به جای کنار آمدن و تطبیق شرایط دولت و کشور خود با آن، اقدام به جبهه گیری و مقاومت در برابر آن می کنند، اما در نهایت بعد از تحمل هزینه های متعدد، ناچار به پذیرش آن می شوند! مثال بارز و مؤید این ادعا خصوصی سازی اقتصاد در حوزه کشورهای طرفدار بلوک شرق است که بعد از سالها مقاومت و ایستادگی عرصه بین الملل، فارغ از اینکه آن را «جهانی شدن سیاست جنایی» یا «جهانی سازی سیاست

جنایی» بنامیم، بنابراین می توان گفت که دولتها، سازمانهای بین المللی دولتی (سازمانهای بین الدولی) و سازمانهای بین المللی غیردولتی، «تابعان فعال حقوق بین الملل» محسوب می شوند و نقش و تأثیر آنها در تحولات جامعه بین المللی به مراتب بیشتر از سایر تابعان حقوق بین الملل (شورشیان، نهضت های آزادی بخش و اشخاص) است. بر این اساس نگارنده با تفکیک تابعان فعال حقوق بین الملل از سایر تابعان آن، درصدد

است تا تأثیر این تابعان فعال حقوق بین الملل را بر فرایند یا پروژه شکل گیری سیاست جنایی واحد و متحدالشکل در عرصه جامعه بین الملل و جهانی شدن سیاست جنایی یا جهانی سازی سیاست جنایی مورد بررسی قرار دهد . لذا جهت تفکیک تابعان فعال از سایر تابعان حقوق بین الملل در این رساله «تابعان فعال حقوق بین الملل» را ذیل عنوان «کنشگران بین المللی» قرار داده ایم و بر این اساس معتقدیم که کنشگران

بین المللی همان تابعان فعال حقوق  
بین الملل هستند . البته بایستی متذکر  
شد که این تفکیک و تقسیم بندی  
موضوعیت نداشته و صرفاً جهت تمییز  
تابعان فعال و تأثیرگذار جامعه بین  
المللی از سایر تابعان است، چرا که  
کنشگران بین المللی یا همان تابعان  
فعال حقوق بین الملل از نظر نگارنده  
تکالیف، مسئولیت ها و اختیارات  
وسعی جهت ایجاد تحولات اساسی در  
عرصه جامعه بین الملل برعهده دارند  
و در واقع بار و مسئولیت پیشبرد اهداف

جامعه بین الملل بر دوش تابعان فعال  
حقوق بین الملل یا کنشگران بین  
الملل است. لذا بنظر می رسد در عرصه  
جهانی شدن سیاست جنایی و جهانی  
شدن ابعاد مختلف سیاست جنایی  
(یعنی جهانی شدن سیاست جنایی  
تقنینی، جهانی شدن سیاست جنایی  
قضائی، جهانی شدن سیاست جنایی  
اجرائی و جهانی شدن سیاست جنایی  
مشارکتی) نیز کنشگران بین المللی  
نقش مهم و برجسته ای دارند که حائز  
اهمیت بررسی و تحقیق است. رساله

حاضر با این دیدگاه بر آن است تا ضمن بررسی امکان جهانی شدن ابعاد مختلف سیاست جنایی و شکل گیری سیاست جنایی واحد و تقریباً متحدالشکل در عرصه بین الملل و جامعه جهانی، تأثیر کنشگران بین المللی را بر جهانی شدن سیاست جنایی مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

بی تردید محرک اصلی فرایند «جهانی شدن سیاست جنایی»،



دولتها و نظامهای سیاسی حاکم بر آنهاست، چه آنکه «دولت ها بگونه فزاینده ای در یافته اند که ایجاد نهادها و سازمان های بین المللی به منظور انجام وظایفی که بهره متقابل داشته باشد، اقدامی مطلوب بشمار می رود . بنابر این آنها مراکز اجرایی مشخصی را برای پیشبرد و تأمین

اهداف مشترک تأسیس نموده اند»<sup>۳</sup>.  
بدین ترتیب سازمان های بین المللی  
در قالب یک کنشگر بین المللی  
«بعنوان ارگانیک های بین المللی  
برای حل مشکلات ناشی از روابط  
بین الملل، مددکار دولت ها شدند»<sup>۴</sup> تا

---

<sup>۳</sup>. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل، ترجمه حسین  
شریفی طراز کوهی، چ دوم، تهران، نشر  
میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱.

<sup>۴</sup>. G. Weissberg, The international status  
of the United Nation, Oceana  
Publication, ۱۹۶۱.p.1.

آن حد که در حال حاضر همچون  
نهادهایی حقوقی به تقریب در تمام  
عرصه های روابط بین الملل حضوری  
فعال یافته اند . سازمان های بین  
المللی با پیمودن مرزهای جغرافیایی،  
تقریباً در تمام حوزه های بین المللی  
ریشه دوانده اند: از اعماق اقیانوس ها  
و دریاها تا کهکشان های دوردست و  
از ذرات اتم تا جای جای بسیط خاک،  
در همه جا سازمان های بین المللی  
حضوری مؤثر دارند . مسائل مربوط به  
صلح و امنیت جهانی و منطقه ای

(سازمان ملل متحد، سازمان پیمان  
آتلانتیک شمالی و ...)، اقتصاد و  
تجارت بین‌المللی (سازمان تجارت  
جهانی، جامعه اروپا، بانک جهانی و  
...)، حقوق بشر (مراجع ذیصلاح در  
قالب کنوانسیون های اروپایی و  
آمریکایی حقوق بشر، کمیسیون حقوق  
بشر سازمان ملل متحد<sup>۵</sup> و ...) و هر

---

<sup>۵</sup> گفتنی است «کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل  
متحد» در سال ۲۰۱۱ طی قطعنامه ای از جانب

مسأله ای که به نحوی از انحاء با منافع جامعه بین المللی مرتبط باشد، عموماً در چارچوب سازمان های بین المللی تنظیم می گردد<sup>۶</sup>. سازمان های بین المللی با توجه به منشأ تشکیل و

---

مجمع عمومی سازمان ملل، به « شورای حقوق بشر » ارتقا یافت.

<sup>۶</sup> زمانی، سید قاسم، حقوق سازمان های بین المللی : شخصیت، مسئولیت، مصونیت ، چ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

تأسیس، به سازمان های بین المللی دولتی و سازمان های بین المللی غیر دولتی تقسیم بندی می شوند. سازمان های بین المللی دولتی یا رسمی نمودی از همکاری میان دولت ها بوده و بر خلاف دولت ها از صلاحیت و زمینه کاری محدودی برخوردارند. در حقیقت این سازمان ها و کنش گران از طرف دولت ها بوجود آمده و به آنها اختیارات محدودی اعطاء شده است که این محدودیت ها به کارکرد منافع مشترک بستگی دارد؛ منافی که

دولت‌ها را به حمایت و پشتیبانی ب  
رخی از آنها دلگرم می‌کند. «جامعه  
ملل» و «سازمان بین‌المللی کار»<sup>۷</sup>  
که جزء نهادهای سیاسی بوجود آمده  
بعد از جنگ جهانی اول بوده و نیز  
«سازمان ملل متحد»<sup>۸</sup> و «اتحادیه  
اروپا»<sup>۹</sup> از بارزترین سازمان‌های بین  
المللی دولتی یا رسمی بعد از جنگ

---

<sup>۷</sup>. International Labor Organization (ILO)

<sup>۸</sup>. United Nation Organization (UNO)

<sup>۹</sup>. Europe Union (EU)

دوم جهانی بشمار می‌روند. در مقابل سازمان‌های دولتی، سازمان‌ها یا کنشگران غیر دولتی یا غیر رسمی قرار دارند که از جانب افراد حقیقی یا حقوقی غیر دولتی از قبیل انجمن‌ها، احزاب یا گروه‌های غیر دولتی تأسیس و تشکیل شده و با بسط و توسعه دامنه فعالیت‌های خود، وارد عرصه‌های بین‌المللی می‌گردند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان از سازمان عفو بین



الملل<sup>۰</sup> نام برد که با اهداف حقوق بشری بوجود آمده و با اعلامیه‌ها و هشدارهای خود در صدد تعدیل و تلطیف رفتارها و اقدامات ناقض حقوق بشری دولت‌ها می‌باشد.

---

<sup>۰</sup> . International Amnesty Organization <sup>۱</sup>

## فصل اول)

# مفهوم، اقسام و ارکان سیاست جنایی

در این فصل، مفهوم، اقسام و ارکان سیاست جنایی بررسی خواهد شد که شامل دو مبحث است. مبحث اول اختصاص به مفهوم و اقسام سیاست جنایی دارد و در مبحث دوم نیز ارکان سیاست جنایی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

## مبحث اول)

### مفهوم و اقسام سیاست جنایی

این مبحث شامل دو گفتار است که در گفتار اول، مفهوم و اقسام سیاست جنایی و در گفتار دوم نیز ارکان سیاست جنایی بررسی خواهد شد.

# گفتار اول) مفهوم سیاست

## جنایی

اصطلاح «سیاست جنایی که» تقریباً بیش از دو قرن از پیدایش پرفراز و نشیب آن می گذرد امروزه به عنوان یک رشته مطالعاتی مستقل در علوم جنایی شناخته می شود. این رشته علمی اگرچه از ورود آن به مجامع علمی و ادبیات حقوقی ایران چندان نمی گذرد، اما به سرعت جای خود را کرده و مورد استقبال شایانی قرار

گرفته و کتاب‌ها و مقالاتی در این  
زمینه تألیف و ترجمه گردیده و بویژه  
پایان نامه‌های متعددی درباره آن  
نگارش یافته

پیدایش این اصطلاح را به  
دانشمند آلمانی «آنسلم فون فوئر باخ»  
در پایان قرن هیجدهم نسبت  
می‌دهند، زیرا این واژه برای اولین بار  
در کتاب حقوق کیفری وی که در سال  
۱۸۰۳ میلادی چاپ و منتشر گردید به  
کار برده شده است.

# الف) مفهوم مضیق سیاست جنایی

اصطلاح سیاست جنایی اولین بار توسط «فوئر باخ»<sup>۱</sup> آلمانی به کار برده شد. این نویسنده در سال ۱۸۰۳ سیاست جنایی را چنین تعریف کرد: «مجموعه شیوه های سر کوبگرانه ای

---

<sup>۱</sup> . Anselm Von Feuerbach

که دولت با استفاده از آنها علیه جرم  
واکنش نشان می‌دهد.»<sup>۱۲</sup>

گفته شد که مفهوم سیاست جنایی  
دو قرن پیش توسط فون فوئر باخ  
(۱۸۰۳) به قلمرو حقوق کیفری وارد  
شد و بعدها توسط فون لیست (۱۸۸۹)  
و کوش (۱۹۰۵) و دندی یودو و ابر  
(۱۹۳۸) تکمیل گردید، اما تطور

---

<sup>۱۲</sup> نوریها، رضا، سیاست جنایی سرگردان، مجله  
تحقیقات حقوقی، شماره های ۲۵ و ۲۶، سال  
۱۳۷۸، ص ۱۲۷.



معناش ناختی آن به دست آنسل  
صورت گرفت. در ادامه فرایند تحول  
مفهوم سیاست جنایی، میری-دلماس  
مارتی رویکردی بدیع و منحصر به فرد  
داشت. وی با در نظر گرفتن تحولات  
کمی و کیفی در انواع جرائم و نحوه  
مبارزه با آنها و با تجدیدنظر در تعریف  
فوئرباخ آلمانی اظهار داشت:  
«سیاست جنایی شامل مجموعه  
روشهایی می شود که هیأت اجتماع  
باتوسل به آنها، پاسخ به پدیده‌ی  
مجرمانه را سازمان می بخشد.» لذا

حقوق کیفری در این دیدگاه، حضور  
بسیار محسوسی خواهد داشت.

بر این اساس می توان گفت که  
مفهوم مضیق سیاست جنایی، همان  
جرم انگاری و برخورد کیفری دولت با  
مجرمین است. در این معنای است  
جنایی، معادل «حقوق جزا» است. به  
عبارت دیگر سیاست جنایی در مفهوم  
مضیق، همان «سیاست کیفری» است  
که حول مفاهیم سه گانه «جرم،  
مجازات و قانون» می گردد.

تعریف مضیق از سیاست جنایی، بر پایه برخورد قدیمی و سنتی با جرم بنا گردی. در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می کرد. در این دیدگاه سیاست جنایی عبارت است از: سیاست های اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است. از آنجا که دس تگاه قضایی، نهادی دولتی بشمار می رود، «دولتی بودن» در این سیاست، امری ضروری است. همچنین مبارزه با انحراف، مشمول

این سیاست نیست؛ زیرا سپس تم  
کیفری تنها صلاحیت رسیدگی به  
«جرایم» را دارد. سیاست کیفری تنها  
برخوردی حقوقی با پدیده جنایی است  
و ابزار آن مجازات و اقدامهای تأمینی  
و تربیتی است. به هر حال سیاست  
جنایی در معنای مضیق، همان  
سیاست کیفری است.<sup>۱۳</sup>

---

<sup>۱۳</sup> عظیم زاده اردبیلی، فائزه، حسابی،  
ساره، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، مجله

## ب) مفهوم موسع سیاست

### جنایی

به موازات گسترش ارتباطات، تکنولوژی، صنعت و روند رو به رشد شهرنشینی، زمینه ارتکاب جرایم افزایش یافته و شیوه های ارتکاب جرایم متکثر و پیچیده شده است. علی‌رغم به‌کار بردن سیاست کیفری در این مدت، باید گفت که

---

تعالی حقوق، سال چهارم، ش ۱۵، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، صص ۱۱۷-۱۱۸.

همه هنجارهای جامعه با ضمانت اجرای کیفری مورد حمایت قرار نمی گیرند. به همین دلیل به تدریج حقوق کیفری سلطه انحصاری خود را از دست داده و مفهوم اجتماعی انحراف در کنار مفهوم حقوقی جرم پیدا شد و به دنبال آن مداخله مراجع گوناگون اجتماعی، در کنار مراجع دولتی، در پاسخهای پیشگیرانه و واکنشی به هنجارشکنی گسترش و اهمیت پیدا کرد.

پس از تحولاتی که در دو سده اخیر درباره بنیادهای بزهکاری بوجود آمد جرم شناسان به این عقیده گرایش پیدا کردند که جهت تدوین سیاست های جنایی کارآمد و پویا، علاوه بر پدیده بزه و شخصیت بزهکار، عوامل دیگر محیط و اجتماع را نیز در نظر گرفته و سیاست جنایی را فراسوی سیاست کیفری مورد توجه قرار دهند.

سیاست را چاره اندیشی پیرامون مسائل جامعه معنی کرده اند و عبارت جنایی را ناظر به پدیده‌های مجرمانه آورده اند که روی هم رفته به معنای چاره اندیشی در مقابله با جرم می باشد. معنی اصطلاحی آن نیز از معنی لغوی آن چندان دور نیفتاده است آنس لم فوئر باخ سیاست جنایی را مجموعه شیوه های سرکوبگرانه ای می دانست که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد . در حقیقت منظور او با این تعریف مفهوم مضیق



سیاست جنایی یعنی سیاست کیفری است. علت این تفسیر نیز سیره دیرینه «جرم انگاری» و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین بوده است که در واقع برجسته ترین شکل واکنش به جرم و مجرم بوده است.

متعاقب بوجود آمدن اصطلاح سیاست جنایی و تعریف فوئر باخ از آن ، دانشمندان و حقوقدانان دیگر به دادن تعریفی از آن اقدام کرده و سیاست جنایی در دو مفهوم مضیق و

موسع بوجود آمد. در بیان تعریف مضیق می توان به تعریف فوئر باخ از سیاست جنایی که قبلاً ذکر گردید اشاره کرد و در خصوص تعریف موسع می توان به تعریف دلمارسی مرتی اشاره داشت که بیان می دارد : «مجموعه روشه‌ایی که به وسیله آن بدنه جامعه (هیئت اجتماع) پاسخهای خود را به پدیده مجرمانه سازمان دهی می کند.»